شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۹۲
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

قالیباف تلاش می‌کند سرنوشتی مانند لاریجانی پیدا نکند که عملاً شریک سیاسی روحانی شد، او ضمن حمایت از دولت با پزشکیان مرزبندی می‌کند

# درس عبرت لاریجانی

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

«جای ظریف بودم با ظرافت کنار می‌رفتم.» این جمله محمدباقر قالیباف در نشست رسانه‌ای اش، شیب صعودی به انتقادات رسانه‌های اصلاح طلب داد و نوک پیکان حمله راهم متوجه محمدباقر قالیباف کرد. این موضع‌گیری صریح قالیباف بعد از اینکه بیشترین همراهی را با دولت از زمان آغاز به کار داشت اما نشان می‌دهد که رئیس مجلس قصد دارد در عین همراهی فاصله‌گذاری مشخصی با دولت داشته باشد و نمی‌خواهد در مسیر لاریجانی در دولت دهم حرکت کند و به‌عنوان شریک سیاسی پزشکیان شناخته شود. ماجرای اصلی کشمکش و رفت و برگشت میان دولت و مجلس که به قصه داغ فضای سیاسی کشور تبدیل شده است، بعد از رای منفی مجلسی‌ها به فوریت لایحه اصلاح قانون انتصاب افراد در مشاغل حساس به اوج خودش رسید. بعد از این هم که محمدباقر قالیباف، صراحتا اعلام کرد انتصاب ظریف در دولت غیرقانونی است و به او توصیه کرد که با ظرافت کنار برود و آب پاکی را روی دست دولت ریخت، رسانه‌های اصلاح طلب این واکنش مجلس را عبور و پشت پا به وفاق، تعریف کردند. واکنش‌هایی که بیشتر از آنکه شبیه به انتقاد باشد، رنگ و بوی تسویه حساب سیاسی به خود گرفت. در نگاه به این کشمکش‌ها، سوالی که در ادوار مختلف مجلس نیز در مورد رفتار بهارستان با پاستور مورد توجه قرار دارد این است که آیا همراهی مجلس و دولت صرفا به معنی موافقت مجلس با همه اقدامات و خواست دولت است؟ اگر در این میان قوه مقننه نظری کارشناسی بدور از وابستگی‌های حزبی و جناحی داشته باشد که در مواردی مخالف نظر دولت باشد، مجوزی به دولت می‌دهد تا به مجلس فشار وارد کند؟

## اختلاف نظر با دولت عبور از وفاق نیست

«مجلس به یک فوریت لایحه اصلاح قانون انتصاب افراد در مشاغل حساس رای نداد.» یکشنبه ۲۷ آبان‌ماه در جلسه صحن علنی مجلس موعد بررسی یک فوریت لایحه اصلاح انتصاب افراد در مشاغل حساس با حضور معاون حقوقی رئیس جمهور در بهارستان بود. انصاری در جلسه صحن در خصوص لزوم اصلاح این لایحه به این موضوع اشاره کرد که «اینکه به‌طور مطلق انتصاب افرادی که همسر و فرزندان آن‌ها تابعیت کشور دیگر را داشته باشند منع شده است، در حقیقت امکانی را از کشور و مدیریت کشور سلب کرده است.» معاون حقوقی رئیس جمهور در ادامه هم گفت که صرفا موضوع یک نفر یا دو نفر در این خصوص مطرح نیست. «فهرستی از اشخاص خدوم از نیروهای مختلف به خصوص از نخبگان و دانشمندان است که ما به آن‌ها نیاز داریم.» فارغ از اینکه جزئیات این قانون نیاز به اصلاحاتی دارد و البته تنها محدود به یک نفر نیز نمی‌شود، اما با توجه به اینکه خانواده معاون راهبردی رئیس جمهور، تابعیت دیگری دارند، این طور به نظر می‌رسد که این لایحه برای قانونی کردن حضور ظریف در دولت به بهارستان آمده است. ۲۰۷ نفر از نمایندگان مجلس اما به یک فوریت این لایحه رای منفی دادند و این به معنی بود که قرار است لایحه به‌صورت عادی در مجلس بررسی شود. همین رای منفی اما با واکنش تند رسانه‌های اصلاح طلب و دولتی همراه شد. «پشت پا زدن به وفاق»، تعبیری بود که اصلاح طلبان، بعد از رای منفی بهارستان به دولت، به کار بردند و مجلس را محکوم کردند که برخلاف روزهای آغاز به کار دولت، حالا اما خلاف جهت وفاق حرکت کرده است. این انتقادات در حالی مطرح می‌شد که بهارستانی‌ها تنها به یک فوریت لایحه رای نداده بودند. این تمام ماجرا نبود، تقریبا در این مدت در همه جلسات صحن علنی، پای این قصه و نقد به حضور محمدجواد ظریف در مجلس باز می‌شد، دولتی‌ها حتی تلاش کردند با ارائه این روایت که رهبرانقلاب نیز موافق اصلاح این قانون است، به بهارستانی‌ها فشار بیاورند که به لایحه رای مثبت دهند، محمدباقر قالیباف که در این مدت اظهار نظر صریحی در خصوص موافقت یا مخالفت با این لایحه نکرده بود هم تاکیدش بر این بود که مجلس در حال بررسی این لایحه است. روز چهارشنبه اما رئیس مجلس در صحن علنی مجلس صراحتا اعلام کرد انتصاب ظریف در دولت غیرقانونی است. قالیباف موضع شفاف خود را در نشست خبری که ظهر همان روز برگزار شد نیز صریحا اعلام کرد و حتی گفت که اگر جای محمد جواد ظریف بود استعفا می‌داد تا قانون اصلاح شود.

بعد از این صحبت‌های قالیباف انتقاد رسانه‌های اصلاح طلب به مجلس شیب صعودی گرفت؛ با این تفاوت که این بار نوک پیکان حمله رئیس مجلس بود. فارغ از اینکه بار دیگر مجلس به زیر پا گذاشتن وفاق محکوم شد، رئیس مجلس را محکوم کردند که این موضع‌گیری صریح در مورد ظریف، تسویه حساب سیاسی به خاطر عدم انتساب فردی است که خواست رئیس مجلس بوده است. اظهاراتی که نشان می‌داد اصلاح طلبان در واکنش به اظهارات رئیس مجلس، بیش از آنکه پاسخی کارشناسی به این صحبت‌ها دهند، در دام عقده‌گشایی سیاسی افتادند تا ادامه فشار به مجلس را به این شکل ادامه دهند.

## مجلس نه وکیل‌الدوله است نه مانعی برای دولت

در نگاه به واکنش صریحی که رئیس مجلس به انتصاب ظریف نشان داد اما چند نکته مورد توجه قرار دارد. مجلس بعد از پایان رقابت‌های انتخاباتی و پیروزی مسعود پزشکیان برای ایجاد همدلی و همراهی میان مجلس و دولت گام برداشت، رئیس مجلس نیز در این راستا تلاش کرد با توجه به شرایط خاصی که کشور داشت، زمینه تشکیل هرچه زودتر کابینه را فراهم کند. رای اعتماد مجلس به همه وزرای پیشنهادی رئیس جمهور نیز نمونه واضحی از این همراهی بود و در راستای تحقق وفاق میان دولت و مجلس تعبیر شد. نکته مهمی که در همه ادوار مختلف مجلس مورد توجه قرار دارد این است که مجلس می‌بایست روی خط باریکی حرکت کند که هم استقلال خود را حفظ کند و وظیفه نظارتی خود را اجرا کند، هم به دولت کمک کند تا برای حل مشکلات کشور گام بردارد. قرار گرفتن میان این دو مسیر که نه مجلس را تبدیل به وکیل‌الدوله کند، نه منجر به این امر شود که برای دولت مانع‌تراشی کند، کار ساده‌ای نیست. در نگاه به آنچه این روزها میان مجلس و دولت می‌گذرد اما به نظر می‌رسد قالیباف تلاش دارد تا در میانه این خط باریک حرکت کند.

## قالیباف نمی‌خواهد لاریجانی شود

نمونه روشن افتادن مجلس در دام حمایت تمام‌قد از دولت را می‌توان در مجلس دهم و در ماجرای تصویب برجام به‌وضوح مشاهده کرد. خروجی آن نتیجتا منجر شد تا در کنار نارضایتی که جامعه از دولت نسبت به نتیجه نرسیدن برجام و گره زدن معیشت به سیاست خارجی داشت، مجلس هم به‌عنوان یکی از مقصران وضع موجود شناخته شود و رئیس وقت مجلس که برای همراهی دولت گام برداشت نیز در کنار دولت به عنوان عامل وضع موجود شناخته شود. این تجربه روشن حالا مقابل چشم بهارستان قرار دارد. به نظر می‌رسد قالیباف تلاش دارد تا در عین اینکه به دنبال همراهی با دولت برای پیشبرد امور است در مسیری که علی لاریجانی حرکت کرد، نرود و به‌عنوان عامل وضع موجود شناخته شود.

## کار سخت رئیس مجلس دوازدهم

جدای از این قالیباف در مواجهه با مجلس نیز کار دشواری در پیش دارد، فاصله‌گذاری با دولت در عین همراهی تنها اقدامی نیست که او باید انجام دهد. رئیس مجلس با گروهی رادیکال در مجلس مواجه است که در تقابل با دولت و در ادامه تسویه حساب‌های سیاسی خود با دولت چهاردهم به دنبال تند کردن فضای سیاسی‌اند و از هر بهانه‌ای برای تاخت به دولت استفاده می‌کنند و اگر مجلس همراستا با دولت حرکت کند آن را به زدوبند سیاسی و حمایت بی‌چون و چرا از دولت متهم می‌کنند. قالیباف در مواجهه با این گروه نیز می‌بایست مرزگذاری داشته باشد و از افتادن بهارستان در دام رادیکالیسم و تقابل با دولت نیز جلوگیری کند، آن هم در عین اینکه در مسیر میانه‌روی با دولت حرکت می‌کند.

## پاس گل ظریف به قالیباف

اظهار نظر صریح قالیباف در این مورد که انتصاب ظریف برخلاف قانون است آن هم در شرایطی که از زمان تشکیل دولت، مجلس بیشترین همراهی را با دولت داشته به رئیس مجلس کمک کرد تا بتواند فاصله‌گذاری با دولت داشته باشد. قالیباف با این موضع‌گیری نشان داد مجلس قصد ندارد وکیل‌الدوله باشد و در مواردی که اقدامی برخلاف قانون باشد، حتی اگر خواست دولت باشد آن را صراحتا اعلام می‌کند، این موضع‌گیری به او کمک کرد تا نشان دهد ضمن اینکه در راستای وفاق به دنبال کمک به دولت است اما لزوما شریک سیاسی پزشکیان نیست، در عین اینکه نباید در دام تندروهای مجلس که هنوز رقابت‌های انتخاباتی را ادامه می‌دهند، بیفتد.

## به اسم وفاق، میان دو قوه شکاف نیندازید

در نقطه مقابل و در نگاه به آنچه اصلاح طلبان در مواجهه با موضع‌گیری رئیس مجلس مطرح کردند نیز چند نکته را باید مورد توجه قرار داد، نکته اول اینکه به نظر می‌رسد در محاسبات اصلاح طلبان وفاق میان دولت و مجلس در شرایطی محقق می‌شود که مجلس در راستای خواست دولت حرکت کند، حتی اگر در مواردی مجلس برخلاف نظر دولت نگاه کارشناسی داشته باشد، این طور تلقی می‌شود که برخلاف وفاق عمل کرده امری که در ماجرای عدم رای به یک فوریت لایحه اصلاح انتصاب افراد در مشاغل حساس خود را نشان داد. بهتر آن است اصلاح طلبان در مواجهه با بهارستان به این موضوع توجه کنند که مجلس یک قوه مستقل است که برمبنای قانون می‌تواند در مواردی نظری برخلاف دولت داشته باشد. در این چهارچوب محکوم کردن مجلس به پشت کردن به وفاق، صرفا به‌عنوان تلاش برای اعمال فشار به مجلس برای حرکت در مسیر خواست دولت تلقی می‌شود. نکته دیگر آنکه انتقادات تند برخی رسانه‌های اصلاح طلب به مجلس نیز درست در نقطه مقابل وفاق قرار می‌گیرد، اینکه مجلسی‌ها تنها به خاطر رای منفی به یک فوریت لایحه مورد انتقاد قرار می‌گیرند، جدای از اعمال فشار باب اختلاف‌افکنی و تقابل میان دو قوه را باز می‌کند، آن هم در شرایطی که در واقعیت ممکن است تقابل مهمی وجود نداشته باشد و موضوعات مهم‌تری وجود دارد که دولت و مجلس می‌بایست با همراهی آن را جلو ببرند.

عراقچی: ادامه تهدید غرب به بازگرداندن تحریم‌ها، فضای بحث در ایران را به سوی در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای سوق می‌دهد

# پیام صریح ایران؛ آماده برای هر سناریو

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

**عباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران طی سخنانی در جمع خبرنگاران در لیسبون، پایتخت پرتغال، مواضعی صریح و هشدارآمیز درباره سیاست هسته‌ای ایران و تحریم‌های بین‌المللی اتخاذ کرد. او تأکید کرد ایران دانش و توانمندی تولید تسلیحات هسته‌ای را در اختیار دارد، اما این امر بخشی از راهبرد امنیتی کشور نیست. عراقچی در سخنان خود هشدار داد که اگر غرب تهدیدهایش را برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل ادامه دهد، ایران ممکن است در سیاست هسته‌ای خود تجدید نظر کند و حتی به سمت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای حرکت کند. این اظهارات به‌ویژه در آستانه نشست مهم میان ایران و کشورهای اروپایی در ژنو، پیام روشنی برای طرف‌های مذاکره‌کننده ارسال کرد. این موضع‌گیری که برای نخستین‌بار با چنین صراحتی از سوی یک مقام ارشد وزارت خارجه مطرح می‌شود، حاکی از تغییر احتمالی در راهبرد مذاکراتی ایران است که بدون اقبال به سمت مذاکره رفته و آماده هرگونه نتیجه‌ای در این‌باره است. این راهبرد که تصویر یک مشتاق به توافق را از تهران زدوده باعث می‌شود باب امتیازگیری و گران‌فروشی به ایران بسته شود و می‌تواند دستاوردهای مهمی برای ایران داشته باشد.**

## ایران از موضع ضعف وارد مذاکرات نشد

اظهارات عباس عراقچی در پرتغال و هشدارهای صریح او درباره احتمال تغییر سیاست هسته‌ای ایران، نشانه‌ای از تغییر لحن و مواضع دیپلماتیک تهران در برابر فشارهای غرب است. این موضع‌گیری که با بدبینی نسبت به مذاکرات ژنو همراه شده، بخشی از راهبردی گسترده‌تر برای افزایش فشار بر کشورهای اروپایی و حفظ منافع ملی ایران به‌شمار می‌رود. رویکرد کنونی ایران نشان می‌دهد تهران آماده است با اتکا به توان داخلی و بدون وابستگی به نتایج مذاکرات، مسیر خود را پیش ببرد. این پیام به طرف‌های غربی می‌رساند که تنها راه دستیابی به توافق، درک متقابل و امتیازدهی دوطرفه است. در غیر این صورت، ایران آماده اتخاذ تصمیمات جدی‌تر در قبال برنامه هسته‌ای خود خواهد بود.

عراقچی همچنین نسبت به مذاکرات آینده در ژنو ابراز بدبینی کرد و گفت که اطمینان ندارد با طرف‌های درست مذاکره می‌کند. او با اشاره به رویکرد کشورهای اروپایی گفت: «به نظر می‌رسد آن‌ها مسیر تقابل را انتخاب کرده‌اند و این موضوع فضای مذاکرات را پیچیده‌تر کرده است.» این موضع‌گیری حاکی است ایران با انتظارات محدودی وارد این دور از مذاکرات شده و وابستگی زیادی به نتایج آن ندارد. اظهار بدبینی عراقچی نسبت به مذاکرات، می‌تواند بخشی از یک راهبرد حساب‌شده برای افزایش قدرت چانه‌زنی ایران باشد. این موضع که نشان‌دهنده عدم وابستگی به نتایج مذاکرات است، به ایران اجازه می‌دهد با دست بازتری وارد فرایند امتیازگیری شود. این سیگنال به طرف‌های مقابل منتقل می‌شود که ایران آماده شکست مذاکرات و حتی اتخاذ اقدامات متقابل است، بدون اینکه متحمل ضرر راهبردی شود.

## اروپا نتیجه صدور قطعنامه را می‌بیند

عراقچی همچنین اظهار داشت: «کشورهای اروپایی، به‌ویژه انگلیس، آلمان و فرانسه، پس از نشست اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سیاست تقابل با ایران را درپیش گرفته‌اند.» او همچنین از عدم پایبندی رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به وعده خود برای جلوگیری از اقدامات تنبیهی علیه ایران انتقاد کرد.

عراقچی در ادامه توضیح داد که فشارهای اخیر کشورهای غربی به اقدامات متقابل ایران در توسعه برنامه هسته‌ای خود منجر شده است. وی گفت: «هزاران دستگاه جدید و بسیار پیشرفته سانتریفیوژ وارد مدار شده‌اند و تزریق گاز به این ماشین‌ها آغاز شده است. این اقدامات نتیجه فشارهایی است که آن‌ها بر ما وارد کرده‌اند.» این اظهارات نشان‌دهنده عزم ایران برای مقابله به مثل و ادامه پیشرفت در فناوری هسته‌ای است، اگرچه همچنان تأکید می‌کند هدف کشور، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است.

مواضع عراقچی از چند جنبه حائز اهمیتند: نخست، این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که فضای بین‌المللی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران متشنج شده است. کشورهای غربی ایران را به توسعه تسلیحات هسته‌ای متهم می‌کنند، درحالی‌که تهران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تأکید کرده است. دوم، این هشدارها در آستانه مذاکرات ژنو، که ممکن است به‌عنوان یکی از آخرین فرصت‌ها برای حفظ دیپلماسی تلقی شود، فشار روانی مضاعفی بر طرف‌های غربی وارد می‌کند. اظهارات وی نشان‌دهنده نوعی سیاست بی‌تفاوتی ظاهری نسبت به نتایج مذاکرات است. این رویکرد- که می‌شود آن را نوعی «بی‌خیالی تاکتیکی» توصیف کرد- می‌تواند به‌عنوان ابزار دیپلماتیک مؤثر برای ایران عمل کند. زمانی که یک طرف مذاکره نشان دهد شکست مذاکرات برایش تفاوتی اساسی ایجاد نمی‌کند، طرف مقابل ممکن است به سمت ارائه امتیازات بیشتر سوق داده شود.

## معاون حقوقی وزارت خارجه ایران روایت مثبت انریکه مورا از مذاکرات را باطل کرد

دیدار اخیر انریکه مورا، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزیر امور خارجه ایران، و دیگر مقامات ایرانی بار دیگر بر اختلاف دیدگاه‌های عمیق میان دوطرف در موضوعات مختلف ازجمله پرونده هسته‌ای ایران و حقوق بشر تأکید کرد. این جلسه که با روایت‌های متفاوتی از سوی مورا و غریب‌آبادی همراه بود، نشان‌دهنده فضای پرتنش و پرچالش حاکم بر روابط ایران و اتحادیه اروپاست.

مورا پس از این دیدار در توییتی گفت‌وگوهای خود با مقامات ایرانی را «مثبت» توصیف کرد. او اعلام کرد که در این جلسه درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات، ازجمله همکاری‌های ایران با روسیه، تنش‌های جاری در خاورمیانه و مسائل حقوق بشری بحث شده است. لحن خوش‌بینانه مورا به ظاهر نشان‌دهنده تلاش اتحادیه اروپا برای حفظ فضای دیپلماتیک و تأکید بر اهمیت گفت‌وگوها بود. بااین‌حال، کاظم غریب‌آبادی روایتی کاملاً متفاوت از این دیدار ارائه داد. او ضمن انتقاد از اتحادیه اروپا، تأکید کرد که این اتحادیه در قبال ایران و سایر مسائل بین‌المللی، ازجمله بحران اوکراین و نسل‌کشی در غزه، رفتار «غیرمسئولانه» و «خودبینانه» داشته است. غریب‌آبادی گفت اتحادیه اروپا مدت‌هاست نقش تأثیرگذار خود را در مسائل بین‌المللی از دست داده و نیازمند «خودبازیابی» است. او همچنین به مورا یادآور شد اتحادیه اروپا باید دست از سیاست‌های فرافکنانه‌اش بردارد.

## اروپا فاقد «جایگاه اخلاقی» برای انتقاد از حقوق بشر است

انریکه مورا در توییت خود به اهمیت گفت‌وگو درباره حقوق بشر اشاره کرد. این موضوع به‌ویژه در سال‌های اخیر یکی از محورهای اختلاف ایران و اتحادیه اروپا بوده است. اتحادیه اروپا ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند، درحالی‌که ایران این اتهامات را بخشی از یک سیاست «دوگانه‌نگری» و «ابزار سیاسی» می‌داند. غریب‌آبادی در این دیدار، اتحادیه اروپا را به خاطر رویکردهای غیرشفاف و همدستی با جنایات در غزه، فاقد «جایگاه اخلاقی» برای انتقاد از حقوق بشر دانست. او تأکید کرد سه کشور اروپایی بزرگ (آلمان، فرانسه و انگلیس) با اتخاذ سیاست‌های همدستانه، حق اظهارنظر در این زمینه را از دست داده‌اند.

## اروپا برای ایفای نقش در پرونده هسته‌ای اعتماد به نفس ندارد

پرونده هسته‌ای ایران و چشم‌انداز مذاکرات مرتبط با آن یکی دیگر از موضوعات اصلی این دیدار بود. انریکه مورا تلاش کرد تا لحن مثبتی درباره این مذاکرات اتخاذ کند، اما غریب‌آبادی تأکید کرد اتحادیه اروپا به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری و ضعف در اعتمادبه‌نفس، مدت‌هاست از ایفای نقش تأثیرگذار در این پرونده فاصله گرفته است. او همچنین به انفعال اتحادیه اروپا دربرابر فشارهای ایالات‌متحده اشاره کرد و این رفتار را نشانه‌ای از وابستگی بیش از حد اروپا به سیاست‌های واشنگتن دانست. غریب‌آبادی در سخنان خود به‌طور خاص از نقش سه کشور اروپایی بزرگ در پرونده هسته‌ای ایران انتقاد کرد و گفت این کشورها با پیروی از سیاست‌های ایالات‌متحده، به جای ایفای نقشی سازنده، به تشدید تنش‌ها دامن زده‌اند. کاظم غریب‌آبادی در ادامه واکنش خود به دیدار با مورا به این موضوع اشاره کرد و گفت اروپا برای بازگرداندن نقش تأثیرگذار خود در این پرونده، نیازمند بازیابی اعتمادبه‌نفس و اتخاذ رویکردی مستقل‌تر است.

## اروپا تلاش می‌کند ضعف در مناقشه اوکراین را با بحران‌آفرینی در مورد ایران جبران کند

مسائل خاورمیانه، به‌ویژه تنش‌های ناشی از نقش‌آفرینی بازیگران خارجی در این منطقه، بخش دیگری از مذاکرات بود. غریب‌آبادی ضمن انتقاد از سیاست‌های اروپا در قبال این مسائل، تأکید کرد اتحادیه اروپا باید به جای فرافکنی، به مشکلات و اشتباهات خود، ازجمله نقش آن در منازعه اوکراین و حمایت از سیاست‌های اسرائیل در منطقه، بپردازد. مواضع غریب‌آبادی در این دیدار، با تأکید بر انتقاد از رفتارهای غیرمسئولانه اتحادیه اروپا، ابعاد مختلفی داشت. او اتحادیه اروپا را به خودبینی و بی‌عملی در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی متهم کرد و گفت که این اتحادیه به جای رفع مشکلات داخلی و بین‌المللی خود، تلاش می‌کند دیگران را قربانی اشتباهاتش کند. غریب‌آبادی با این اظهارات تلویحاً این سیاست اروپا که بنا دارد برای جلب حمایت‌های تسلیحاتی آمریکا در اوکراین مواضعی ترامپ‌پسند را درمورد پرونده هسته‌ای ایران بگیرد، زیر سؤال برد.

## پیامدهای این دیدار بر مذاکرات آینده

دیدار اخیر میان انریکه مورا و کاظم غریب‌آبادی نشان‌دهنده شکاف‌های عمیق میان ایران و اتحادیه اروپا در موضوعات مختلف است. این اختلاف نظرها، به‌ویژه در آستانه مذاکرات هسته‌ای جدید، بر پیچیدگی فضای دیپلماتیک می‌افزاید. از یک سو، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند نقش میانجی‌گر خود را حفظ کند، اما از سوی دیگر انتقادات وارد به عملکرد این اتحادیه، احتمال پیشرفت در مذاکرات را کاهش می‌دهد. این دیدار نشان داد اتحادیه اروپا برای بازگرداندن اعتماد ایران و ایفای نقش تأثیرگذارتر در پرونده هسته‌ای، نیازمند اتخاذ رویکردی مستقل‌تر و مسئولانه‌تر است. در مقابل، ایران نیز با تأکید بر حقوق خود و انتقاد از رویکردهای دوگانه اروپا تلاش می‌کند از این فضای پرتنش به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ملی خود استفاده کند. نتیجه این اختلاف نظرها در مذاکرات آینده مشخص خواهد شد، اما روشن است که بدون تغییر رویکردهای کنونی، رسیدن به یک توافق جامع و پایدار دشوار خواهد بود.

# قصه جنگ گفتن را باید با توجه به شرایط بلد بود

سیدجواد نقوی
خبرنگار ایده حکمرانی

یک‌سال جنگ به شدت نابرابر و قتل‌عام کودکان و زنان و آواره کردن انسان‌هایی که فقط قصد دارند در خاورمیانه با سنت و آداب خود زندگی کنند و هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند؛ اما این جنگ هرچند در صحنه جهانی باعث تظاهرات وسیعی بود و سرآخر هم نتانیاهو در دادگاه لاهه جنایتکار جنگی معرفی شد؛ اما نگرانی‌هایی برای آیندگان دارد که آیا ممکن است خیلی زود این جنگ به فراموشی سپرده شود یا به‌نوعی نرمالیزه شود که جنگی بوده است مثل بسیاری از جنگ‌ها!

تادِمی، نویسنده کتاب «دوستی در عصر اقتصاد نئولیبرالی» سعی دارد در دو فصل اول کتاب خود به مخاطب توضیح دهد نئولیبرالیسم بیش از اینکه فقط نوعی عقلانیت حکمرانی باشد، نوعی ساخت اجتماعی را هم شکل می‌دهد که دوستی و دوست داشتن و عشق ورزیدن به‌نوعی بی‌معنا می‌شود و در چنین شرایطی است که اقتصاد تنها راه‌حل و راه نجات انسان‌ها می‌شود و هر انسان دوست دارد صرفاً خودش را نجات دهد یا انسان برتر شود.

تادِمی، دو ویژگی را که سیطره نئولیبرالیسم در ساخت اجتماعی شکل داده است را واکاوی می‌کند تا نشان دهد در چه چرخه‌ای زندگی می‌کنیم:

**۱. انسان مصرف‌کننده**

**۲. انسان کارآفرین**

**۱. انسان مصرف‌کننده:** به نوعی در تلاش است همه آنچه پیرامون او هست را به کالایی برای مصرف و لذت بدل کند؛ اگر مصرف نکند به نوعی لذت زندگی او قطع می‌شود، و در چنین شرایطی هر واقعه‌ای یا هر رخدادی هم باید مصرف شود. پدیده‌هایی مثل جنگ که نوعی وضعیت خاص‌اند به گونه‌ای تفسیر می‌شوند که قابل مصرف شود و لذت خلق کند؛ مشابه صدها فیلم و موسیقی که درباره بسیاری از جنگ‌ها کار شده است. در چنین شرایطی علت و چرایی جنگ‌ها معنا ندارد و انسان مصرف‌کننده باید جنگ یا رشادت‌های جنگی و ظلم‌های جنگی را به‌نوعی برای خودشان به قصه‌هایی تبدیل کند که قابل مصرف شود و اینجاست که ممکن است غرب و طرف غربی سال‌ها بعد حتی تور گردشگری به لبنان و بازدید از مکان‌های جنگی را هم شکل دهد اما صرفاً برای نوعی مسافرت چند روزه مثل همین خانه‌های بوم‌گردی که در کشور ما حس نوستالژیک را فقط تقویت می‌کند و در پی مصرف سنت‌اند.

**۲. انسان کارآفرین:** انسان کارآفرین هم در معنا سیطره فعلی آن یعنی همه انسان‌ها به جای آنکه در سیستمی یا مکانی خلق ایده کنند باید به صورت فردی خودشان را نوآوری کنند و هر انسان یک شرکت است. به نوعی باید تلاش کند به جای خلق کارخانه از یک مکان کوچک مثل یک اتاق کار خلق کرده و اشتغال‌زایی کند به‌گونه‌ای که انسان کارآفرین بیشتر از آنکه جمعی باشد؛ یک سوژه فردی است و تلاش دارد خودش را در یک نمونه مشابه ایلان ماسک یا استیو جابز معرفی کند. و در چنین شرایطی تولید و خلق کالاهای استراتژیک موضوعیت ندارد، آنچه اهمیت دارد فقط کالایی است که خلق ارزش مالی در کوتاه مدت را صورت دهد. در چنین شرایطی ایده صلح فانتزی جایگزین نبرد و جنگ و دفاع از حقیقت می‌شود؛ چراکه سوژه کارآفرین نئولیبرالیزه شده نه به دنبال تولید ملی و نه به دنبال حقیقت است؛ بلکه صرفاً سعی دارد در نظم بازار خودش به موفقیت برسد. در چنین شرایطی هر جنگی حتی مثل جنگ اخیر بیش از آنکه طرف ظالم را مورد پرسش قرار دهد؛ طرف مظلوم را نقد می‌کند که چرا باعث شده نظم زندگی کارآفرینی شده مسدود شود و این دقیقاً همان خواسته غربی‌ها از هر جنگی است که طرف مدافع را به عدم دفاع دعوت کنند و او را مقصر جلوه دهند.

حالا در چنین اتمسفری اگر بخواهیم قصه جنگ را بگوییم باید بدانیم ۲ رویکرد به شدت تهاجمی قصد وارونه‌سازی از جنگ در منطقه را دارند، در نظمی مصرف‌کننده کارآفرین ایده دفاع از ملت و وطن به‌نوعی منسوخ شده و قطعاً در ذهنیت این افراد قصه جنگ نوعی باخت است و عقب اُفتادگی از سایر ملت‌ها توسعه‌یافته‌تر؛ این دقیقاً همان نقطه نزاعی است که باید فهمیده شود تا قصه جنگ را به درستی بیان کرد.

## برای خارج شدن از این سیطره چه باید کرد؟

باید روایت خاورمیانه و روایت لبنان و فلسطین را بیرون از این ساحت باز تعریف کرد؛ باید نشان داد حتی انسان فلسطینی و لبنانی حق مصرف کردن هم ندارند و اصلاً کارآفرین هم نمی‌توانند باشند؛ یعنی انسان خاورمیانه‌ای در سطحی فقط باید نظاره‌گر افراطی شدن ایده غربی‌ها باشد و در حالی که انسان‌های خاورمیانه‌ای در سطح اجتماعی به شدت به دنبال دوستی و ارتباطند؛ وطن برای آن‌ها بیرون از روایت فربه شده فعلی است و اسطوره‌های آن‌ها نه در کتاب‌ها بلکه در حال زیست با آن‌ها است؛ اما چون غرب انسان مصرفی و کارآفرین را انسان تراز معرفی می‌کند، بیرون از این سیطره زیستن را غیرممکن معرفی می‌کند. اما آنچه مشخص است در همین یک سال تاریخ گواهی می‌دهد هیچ کدام از انسان‌های فلسطینی و لبنانی نه قصد داشت وطنش را مصرف کند نه سعی کرد با ایده کارآفرینی به کشور خودش خدمت کند! بلکه جان و تن خود را فدای وطن کرد تا نشان دهد بیرون از این رویکرد هم زیستن ممکن است. وظیفه ما برای قصه‌گویی این است که اثبات کنیم بیرون از نظم استبدادی و خشن زندگی با دوستی و عشق و بدون مبانی صرف اقتصادی در جریان است و این تمایز بارز انسان خاورمیانه‌ای با انسانی است که غربی‌ها در مدل نئولیبرالی در حال ترویج آن هستند. ما باید انسان خاورمیانه‌ای را بیرون از این دوساحت معرفی کنیم و هر گونه تعریف انسان خاورمیانه‌ای از لنز خشن نئولیبرالی باعث می‌شود این جنگ در بلندمدت مصرف شده و یا به کالایی برای سودجوها بدل شود.